

## فصل نهم

# "صدا و سیما"

رادیو ایران، که در چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۱۹ شروع به کار کرد، همیشه در تملک دولت بوده. تلویزیون نخست به شکل خصوصی، با نام "تلویزیون ایران"، در مهرماه سال ۱۳۳۷ تاسیس شد،<sup>۱</sup> اما در سال ۱۳۴۵ توسط دولت خرید شده و از ادغام آن با ایستگاه دولتی "تلویزیون ملی" که تازه برپا شده بود "تلویزیون ملی ایران" به وجود آمد.<sup>۲</sup> "تلویزیون ملی ایران" به نوبه خود در سال ۱۳۵۱ با "رادیو ایران" ادغام شد و "رادیو تلویزیون ملی ایران" به وجود آمد. پس از انقلاب ۱۳۵۷، رادیو-تلویزیون "صدا و سیما" جمهوری اسلامی ایران نام گرفت. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است که «وسائل ارتباط جمعی (رادیو-تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرارگیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره‌جویند و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جداً پرهیز کند.» رادیو-تلویزیون موضوع یکی از سه ماده آخر قانون اساسی (ماده ۱۷۵) است و حضور آن در کنار تشکیل "شورای امنیت ملی" (ماده ۱۷۶) و سازوکار تجدید نظر در قانون اساسی (ماده ۱۷۷) نشانه اهمیت سیاسی این دو رسانه در جمهوری اسلامی است. بنا بر اصل ۱۷۵، «نصب و عزل رییس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رییس جمهور و رییس قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) نظارت بر این سازمان خواهند داشت.»<sup>۳</sup> اگرچه قانون اساسی تاسیس رادیو یا تلویزیون خصوصی را منع نکرده، بنا بر اساسنامه "صدا و سیما جمهوری اسلامی"، مصوب ۲۷ مهر ۱۳۶۲، «تاسیس فرستنده و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در هر نقطه از کشور در انحصار این سازمان بوده و چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی به تاسیس یا بهره برداری از چنین رسانه‌هایی اقدام کنند از ادامه کار آنان جلوگیری به عمل آمده و تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> "در باره ما"، تورنمای "صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران"، <http://www.irib.ir/About-us/index.php> (دسترسی ۱۲ مرداد ۱۳۸۵).

<sup>۲</sup> رضا طلاچیان، "Major Motion Picture Studios in Iran 1929-1975" <http://www.lib.washington.edu/NearEast/cinemaofiran/studiosfinal.html> ("استودیوهای عمده سینما در ایران (۱۹۷۵-۱۹۲۹)"), در (A Survey Catalogue and Brief Critical History of Iranian Feature Film (1896-1975) (بررسی فهرست وار و تاریخچه انتقادی فیلم سینمایی ایران (۱۹۷۵-۱۸۹۶)), پایان نامه کارشناسی ارشد، بخش سینما و عکاسی، دانشکده کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلینوی جنوبی، دسامبر ۱۹۸۰، <http://www.lib.washington.edu/NearEast/cinemaofiran/studiosfinal.html>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).

<sup>۳</sup> "قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، تورنمای مجلس شورای اسلامی، "خانه ملت"، <http://mellat.majlis.ir/CONSTITUTION/PERSIAN.HTML>، در ۲ اسفند ۱۳۵۸، «افشاگری در رادیو و تلویزیون» ممنوع اعلام شد-سید فرید قاسمی، سالنمای مطبوعات ایران (دسترسی ۱۲ مرداد ۱۳۸۵). تهران، مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، ۱۳۷۴.

<sup>۴</sup> ماده ۷ "اساسنامه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران"، مصوب مجلس شورای اسلامی ۲۷ / ۷ / ۱۳۶۲، به نقل از مجید محمدی، سیما اقتدارگرایی، تلویزیون دولتی ایران، تهران، جامعه ایران، ۱۳۷۹، ۳۳-۳۲.

ایران در زمان انقلاب دارای دو شبکه تلویزیون سراسری، دو شبکه رادیوی سراسری، چند شبکه رادیو و تلویزیون محلی، و برنامه‌های رادیویی به چند زبان خارجی بود. کوشش برای گسترش این امکانات پس از جنگ، در نخستین دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی، و ریاست برادر او، محمد هاشمی، بر رادیو-تلویزیون آغاز شد،<sup>۵</sup> و با انتصاب علی لاریجانی به ریاست رادیو-تلویزیون در اواخر سال ۱۳۷۲ سرعت گرفت. پس از انتصاب آقای لاریجانی، ۵۰ درصد بودجه ای که به مبارزه با «تهاجم فرهنگی» غرب اختصاص داده شده بود در اختیار «صدا و سیما» قرار گرفت،<sup>۶</sup> که از مجموع سهم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «سازمان میراث فرهنگی»، و «سازمان تبلیغات اسلامی» بیشتر بود.<sup>۷</sup> در بودجه کشور سهم «صدا و سیما»، با نیروی کار ۲۵،۰۰۰ نفره‌اش،<sup>۸</sup> یک سوم بخش بهداشت بود که نزدیک به ۳۰۰،۰۰۰ در آن کار می‌کردند،<sup>۹</sup> یعنی کارکنان «صدا و سیما» به‌طور متوسط سرانه تقریباً ۴ برابر کارکنان بخش بهداشت از بودجه کشور بهره می‌بردند.

در سال ۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی با منع استفاده از تجهیزات دریافت برنامه‌های تلویزیون ماهواره ای کمک بیشتری در اختیار «صدا و سیما» گذاشت و به وزارت کشور دستور داد که «با هماهنگی وزارت اطلاعات، نسبت به جلوگیری از ورود، ساخت و توزیع تجهیزات دریافت از ماهواره اقدام کند و ضمن توقیف وسایل مکشوفه، عامل آن را با وسائل توقیفی به دادگاه انقلاب اسلامی معرفی کند.» رئیس کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی مجلس، حجت الاسلام سید رضا تقوی، گفت «برنامه‌های ماهواره‌ای مسخ هویت می‌کند، شخصیت یک فرد را دگرگون می‌سازد و جوامع و انسان‌ها را از تاریخ، فرهنگ، شخصیت و هویت الهی خود دور می‌سازد.» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مصطفی میرسلیم، گفت اگرچه همه برنامه‌های ماهواره‌ای «مضر» نیستند، استفاده «بدون حد و مرز از آن به ضرر ما تمام خواهد شد» و «باید از میان برنامه‌های ماهواره برنامه‌های مناسب انتخاب شود.» آقای میرسلیم گفت «ماهواره در چنگ ماست و از این بابت نگرانی نداریم.»<sup>۱۰</sup> اندکی پیش از منع استفاده از گیرنده ماهواره، قانون قدیمی منع ورود دستگاه پخش و ضبط ویدئو و دوربین آن توسط مسافران خارج از کشور لغو شد،<sup>۱۱</sup> بدون آن که وجود آن چندان تأثیری در استفاده از آن دستگاه‌ها به جا گذاشته باشد.<sup>۱۲</sup>

<sup>۵</sup> محمد هاشمی، «طرح‌های گسترش شبکه تلویزیونی و برنامه‌ها و سیاست‌های آینده صدا و سیما»، اطلاعات، ۶ بهمن ۱۳۷۱، ۷.

<sup>۶</sup> رسانه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ۸۷.

<sup>۷</sup> محمدی، سیمای اقتدار گرایی، ۶۴. در سال ۱۳۸۱ بودجه رادیو-تلویزیون ۱۵۹،۰۰۰، ۸۷۳، ۷۰۰ ریال، بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۲۳،۰۷۴،۰۰۰، ۰۰۰ ریال، و بودجه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ۱۶،۳۸۸،۳۰۰،۰۰۰ بود (دو هفته‌نامه نوآوران، شماره ۳، خرداد ۱۳۸۱، ۳۲).

<sup>۸</sup> محمدی، سیمای اقتدار گرایی، ۶۷.

<sup>۹</sup> «سالنامه آماری کشور»، تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲، ۶۱۳. ارقام سال ۱۳۷۹ در این سالنامه درج نشده، اما ارقام سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰ به ترتیب عبارتند از ۲۹۶،۷۲۸ و ۲۹۵،۳۲۵.

<sup>۱۰</sup> رسانه، سال پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۳، ۸۹.

<sup>۱۱</sup> رسانه، سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۳، ۸۷.

<sup>۱۲</sup> در سال ۱۳۷۱، به گزارش مطبوعات ایران، ۲/۵ میلیون دستگاه ویدئو تنها در تهران وجود داشت و، به گفته رئیس وقت رادیو تلویزیون، محمد هاشمی، با در نظر گرفتن خانوارها، «جمعیتی حدود ۱۲ یا ۱۳ میلیون نفر تحت پوشش ویدئو» بودند، - «طرح‌های گسترش شبکه تلویزیونی و برنامه‌ها و سیاست‌های آینده صدا و سیما»، اطلاعات، ۶ بهمن ۱۳۷۱، ۷.

## ستایش رهبر از "صدا و سیما"

آیت‌الله خامنه‌ای در گفتگویی خصوصی با آقای لاریجانی، کم‌تر از شش ماه پس از انتصاب او، از برنامه‌های تلویزیون، از جمله «بررسی مطبوعات»، یک برنامه شبانه طنز به نام «جنگ شب»، و برنامه‌ای که شب‌های جمعه برای تشویق جوانان به حضور در نماز جمعه پخش می‌شد، ستایش کرد،<sup>۱۳</sup> و دو سال بعد در دیداری از مرکز رادیو-تلویزیون آقای لاریجانی و دیگر مسئولان سازمان را «متعهد، متعهد و لایق» خواند. در همین دیدار، آیت‌الله خامنه‌ای «با اشاره به پیشرفت‌هایی که در برخی از بخش‌های صدا و سیما از جمله در درست نویسی و درست خوانی صورت گرفته» بود گفت «در همه برنامه‌های صدا و سیما باید معیارها و موازین زبان و ادبیات فارسی کاملاً رعایت شود» و «فیلم‌ها و تولیدات صدا و سیما باید از ویژگی بومی بودن و ایرانی بودن به‌طور کامل برخوردار باشند.» آیت‌الله خامنه‌ای «با اشاره به ضعیف بودن هنر طنز در صدا و سیما و مطبوعات» گفت «طنز سخنی جدی و تفهیم حقیقت بدون تلخی و با لعاب نازک‌اندیشی و نازک‌گوئی، ظریف‌کاری، و لطیف‌پردازی است و با مقوله فکاهی و مطایبه متفاوت است و این امر باید در موضوعات گوناگون مورد توجه قرار گیرد.»<sup>۱۴</sup> در سال ۱۳۷۸، آیت‌الله خامنه‌ای ریاست آقای لاریجانی بر رادیو-تلویزیون را به مدت پنج سال تمدید کرد.<sup>۱۵</sup>

در پایان دوره دوم ریاست آقای لاریجانی در سال ۱۳۸۳، ایران دارای «بیش از ۱۵ شبکه تلویزیون محلی، ملی و بین‌المللی» و بیش از ۳۰ شبکه رادیو بود که در هر شبانه روز مجموعاً ۱,۱۰۰ ساعت برنامه پخش می‌کردند.<sup>۱۶</sup> ایرانیان به‌طور متوسط در هر شبانه روز ۱۵۶ دقیقه، یا ۴۲ درصد وقت فراغتشان، را صرف تماشای تلویزیون داخلی می‌کردند، در حالی ۲۰ دقیقه روزنامه می‌خواندند،<sup>۱۷</sup> اگرچه به اخبار روزنامه‌ها بیشتر از تلویزیون اعتماد داشتند.<sup>۱۸</sup> تلویزیون ایران، «با دستور مقام معظم رهبری و با هدف بیان ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی» از شبکه‌های ماهواره‌ای "جام جم" برنامه‌هایی برای ایرانیان خارج از کشور پخش می‌کرد.<sup>۱۹</sup> "صدا و سیما" چند کانال تلویزیونی ماهواره‌ای به زبان‌های دیگر نیز برپا کرده بود، از جمله شبکه عربی "العالم"، که «۲ میلیون دلار، در مقایسه با ۲۵۰ میلیون دلار هزینه شبکه عربی الجزیره»، در امیرنشین قطر، برای تاسیس آن صرف شده بود.<sup>۲۰</sup> در همین حال، علیرغم ممنوعیت دستگاه گیرنده ماهواره، بسیاری از ایرانیان در داخل کشور می‌توانستند صدها

<sup>۱۳</sup> علی لاریجانی، هوای تازه، خاطرات ده ساله مدیریت صدا و سیما، جلد اول (۱۳۷۳)، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴، ۲۴۴.

<sup>۱۴</sup> رسانه، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵، ۱۲۰.

<sup>۱۵</sup> "حکم انتصاب مجدد آقای دکتر علی لاریجانی به ریاست سازمان صدا و سیما"، ۵ خرداد ۱۳۸۷، تورنمای "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای" <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2950> (دسترسی ۲۲ آذر ۲۰۰۸).

<sup>۱۶</sup> "پاسخ به هویت، کنفرانس برلین، چراغ"، مصاحبه علی لاریجانی با روزنامه شرق، ۲۰-۱۸ بهمن ۱۳۸۳، انتشار مجدد در تورنمای بازتاب، ۱۹ بهمن ۱۳۸۳، <http://www.baztab.com/news/21394.php>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).

<sup>۱۷</sup> هادی خانیکی، "ارتباطات توسعه و مسأله ارتباطات در ایران"، سخنرانی در "سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران"، تهران، ۱۲ اسفند ۱۳۸۳.

<sup>۱۸</sup> نتیجه پژوهش دکتر نعیم بدیعی، به نقل از مهدی احمدی، "صدا و سیما و اعتماد ۸۵ درصدی مخاطبان" تورنمای Cyber-Café سایبر کافه، ۴ خرداد ۱۳۸۳، <http://cc.eprsoft.com/archives/001738.html>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).

<sup>۱۹</sup> رسانه، سال هشتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۶، ۱۳۳.

<sup>۲۰</sup> "پاسخ به هویت، کنفرانس برلین، چراغ"، مصاحبه علی لاریجانی با روزنامه شرق.

کانال تلویزیونی ماهواره ای مستقر در کشورهای دیگر را تماشاکند،<sup>۲۱</sup> از جمله بیش از ۲۰ شبکه فارسی زبان، که برخی تجارتي و برخی سياسي و مخالف جمهوری اسلامی بودند.<sup>۲۲</sup> عده بسیار بیشتری از ایرانیان می توانستند به برنامه های رادیویی گوش بدهند که از بن، بیت المقدس، پاریس، پراگ، پکن، توکیو، لندن، مسکو، و واشنگتن پخش می شد،<sup>۲۳</sup> و گزارش های بسیاری از آن رادیوها در تورنماهایشان بخوانند.

در دوره ریاست آقای لاریجانی، مخالفان جمهوری اسلامی و جناح اصلاح طلبی که پس از انتخاب آقای خاتمی در ۱۳۷۶ شکل گرفت به شدت به رادیو-تلویزیون ایران حمله کردند. برنامه های خبری که اصلاح طلبان آن ها را دارای جهت گیری ضد آقای خاتمی و دولت او می دانستند و چند برنامه که در آن به روشنفکران دنیوی ایران حمله شده بود موضوع اصلی انتقادات بودند. اولین برنامه اعتراض انگیز "هویت" نام داشت که در آن تعداد زیادی از روشنفکران خدمتگزار غرب و رژیم شاه معرفی شده بودند. بعدها گفته شد که آن برنامه زیر نظر سعید امامی، یا اسلامی، یکی از اعضاء ارشد وزارت اطلاعات تهیه شده بود که در سال ۱۳۷۷ رسماً به شرکت در قتل داریوش و پروانه فروهر، محمد مختاری، و محمد جعفر پوینده متهم شد. خود آن قتل ها موضوع برنامه ای با نام "چراغ" بود که در آن حجت الاسلام روح الله حسینیان، رئیس "مرکز اسناد انقلاب اسلامی"، گفت بعضی از قربانیان «مرتد بودند و عده ای دیگر ناصبی بودند و نسبت به ائمه اطهار (ع) جسارت می کردند»،<sup>۲۴</sup> اتهام هایی که در صورت اثبات می توانستند مجازات شرعی اعدام را به دنبال داشته باشند. سومین برنامه تلویزیونی که اعتراض گسترده به دنبال داشت گزارش "کنفرانس برلین" بود که در آن، چنانکه پیش از این گفته شد، تصاویر شرکت کنندگان در کنفرانس و تصاویر محو شده معترضان برهنه کنارهم قرار داده شده بودند و به نظر می رسید سخنرانان به تماشای معترضان نشستند.<sup>۲۵</sup>

در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳، عزت الله ضرغامی، معاون آقای لاریجانی و از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران، به ریاست "صدا و سیما" منصوب شد. در همان روز، آیت الله خامنه ای در دیداری از رادیو-تلویزیون کارنامه ۱۰ ساله آقای لاریجانی را ستود و گفت «جریان های سیاسی» به دلیل «همان قوت ها» به رادیو-تلویزیون حمله خواهند کرد.<sup>۲۶</sup> اما

<sup>۲۱</sup> یک نظرسنجی در سال ۱۳۸۳ نشان داد که ۳۷/۷ درصد ساکنان تهران به تلویزیون ماهواره دسترسی داشتند (بهر روز گرانیپا، سخنرانی در "سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران"، تهران، ۱۱ اسفند ۱۳۸۳).

<sup>۲۲</sup> رسالت، ۳ دی ۱۳۸۱، ۱۸؛ کیهان، ۱۵ دی ۱۳۸۳، ۳. به گزارش کیهان، «از میان ۲۶ شبکه ماهواره ای فارسی زبان، حدود ۱۵ شبکه مرکز فعالیت های خود را به شیخ نشین های عربی حاشیه خلیج فارس، به ویژه دبی، منتقل کرده» بودند. در سال ۱۳۸۳، یک شبکه تلویزیون ماهواره ای فارسی زبان، مستقر در آلمان، با مجوز دولت ایران شروع به کار کرد تا بینندگان شبکه های ماهواره ای مستقر در آمریکا را به خود جلب کند، اما کار آن بیش از چند ماه طول نکشید - "نامه مدیر تلویزیون مهاجر، حسن آرپناهی، به هاشمی رفسنجانی"، آفتاب نیوز، ۱۲ شهریور ۱۳۸۴، mev.html -vdjcxvxeuq، <http://www.afbnews.ir/vdjcxvxeuq>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷). در بهمن ۱۳۸۵، ایران شبکه تلویزیونی ماهواره ای انگلیسی زبانی به نام "پرس تی وی" بر پا کرد تا «گزارش های بی طرفانه» و «تحلیل های عمیق و جامع»، به ویژه درباره خاورمیانه، عرضه کند و «دیدگاه هایی را نشان بدهد که غالباً در رسانه های عمده ندیده گرفته می شوند.» - "درباره ما" <http://www.presstv.ir/aboutus.aspx>، (دسترسی ۱۳ مرداد ۱۳۸۷). مدتی بعد "تلویزیون اینترنتی قدس" <http://www.qodstv.ir/jadval.php/kondaktor/pages/>، تاسیس شد که تحولات مربوط به فلسطین را به زبان های فارسی، عربی، و انگلیسی دنبال می کرد - <http://www.qodstv.ir/index.php>، (دسترسی ۱۳ مرداد ۱۳۸۷).

<sup>۲۳</sup> حسام نقیبی منفرد، "صدای بیگانه به زبان فارسی"، شرق، ۲۶ آذر ۱۳۸۳، ۱۳.

<sup>۲۴</sup> کیهان، ۲۱ دی ۱۳۷۷، نقل شده در اکبر گنجی، تاریخخانه اشباح، چاپ چهارم، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸، ۳۲.

<sup>۲۵</sup> برای اطلاع بیشتر از "کنفرانس برلن" و پیام های آن، نگاه کنید به "فصل پنجم: دومین بهار آزادی" (۷۹-۱۳۷۶).

<sup>۲۶</sup> "رئیس جدید صداسیما منصوب شد"، بخش فارسی بی بی سی، ۱۷ مه ۲۰۰۴ (۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳)، [http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/05/040517\\_trib.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/iran/story/2004/05/040517_trib.shtml)، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).

انتقاد از کارنامه آقای لاریجانی مدت‌ها پیش از پایان ریاست او آغاز شده بود و پس از انتصاب آقای ضرغامی به‌طور چشمگیری افزایش یافت. سال‌ها پیش از انقلاب، روزنامه‌نگاران ایرانی شکایت می‌کردند که «محدودیت‌هایی که بر مطبوعات تحمیل شده در مورد رادیو، تلویزیون، و سینما وجود ندارد و آن‌ها غالباً آنچه را برای مطبوعات نامناسب تلقی می‌شود آزادانه منتقل می‌کنند.»<sup>۲۷</sup> همین شکایت چند دهه بعد، در جمهوری اسلامی تکرار شد زیرا در حالی که در سال ۱۳۷۳ امتیاز هفته‌نامه حوادث، با تیراژ «حدود ۲۵۰,۰۰۰ نسخه»، به علت گزارش جرم و جنایت لغو شد، نمایش خشونت در تلویزیون در همان دوره «هیچ محدودیتی» نداشت. علت، به گفته مجید محمدی، مدرس پیشین "دانشکده صدا و سیما"، «روی کار آمدن مدیریت تمامیت‌طلب، و لذا اهل خشونت»، بر تلویزیون در دهه ۱۳۷۰ بود، که «عمدتاً از سازمان‌های امنیتی، نظامی، و انتظامی به عرصه رسانه و فرهنگ آمده بودند.»<sup>۲۸</sup> به اعتقاد آقای محمدی، تلویزیون در دهه ۱۳۷۰ قصد «حذف مطبوعات مستقل» را داشت، و برای رسیدن به این هدف

با برنامه‌هایی مثل "هویت" یا نگاهی که به مطبوعات کرد تلاش کرد آن‌ها را بدنام سازد؛ دادگاه‌های مطبوعات را به نحوی پوشش داد که تنها سخن شاکیان شنیده شود، و نه دفاعیات مدیران مسئول؛ اطلاعیه‌های دادگستری تهران علیه مطبوعات را به خوبی پوشش خبری داد؛ در انواع برنامه‌های سیاسی از کسانی دعوت کرد که مطبوعات مستقل را غیر خودی و لذا پایگاه دشمن خارجی می‌دانستند؛ در برنامه‌های "گزارشی از مطبوعات" مطبوعات مستقل را نادیده گرفت؛ همهٔ کسانی را که با مطبوعات مستقل کار می‌کردند در فهرست قرمز خود جهت عدم شرکت در انواع برنامه‌ها قرار داد؛ و به‌عنوان بخش رسانه‌ای گرایش تمامیت‌طلب، فضا سازی لازم را برای بازداشت نویسندگان و روزنامه‌نگاران فراهم می‌کرد. تلویزیون و مطبوعات دولتی و تمامیت‌طلب هم پیمان آن، و مدیریت دستگاه قضائی که از دوم خرداد احساس کردند تمامیت‌طلبی آن‌ها در صحنه عمل با مقاومت اجتماعی شهروندان روبروست، تلاش کردند صداهای دیگر را که در مطبوعات مستقل انعکاس پیدا می‌کرد خاموش سازند. تلویزیون در این سال‌ها به یکی از شاکیان همیشگی منتقدان خود و یکی از متحدان گروه پرونده ساز علیه مطبوعات مستقل تبدیل شد.<sup>۲۹</sup>

به دنبال موج توقیف روزنامه‌ها که در سال ۱۳۷۹ آغاز شد، رهبران "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران" ایران صریحاً گفتند «چندان ارتباط خوبی با "صدا و سیما" نداریم و رابطه ما بیشتر با روزنامه‌نگاران است، هر چند برای خبرنگاران این رسانه احترام قائلیم.»<sup>۳۰</sup> اما در جریان تحصن روزنامه‌نگاران در شهریور ۱۳۸۳ این «احترام» جای خود را به سوءظن داد و روزنامه‌نگاران معترض از گروه گزارش "صدا و سیما" که در محل انجمن حاضر شده بود می‌پرسیدند که «آیا این فیلم‌ها پخش خواهد شد؟»، «به چه شکلی پخش خواهد شد؟»، و از آنان می‌خواستند که «این برنامه را به شکل

<sup>۲۷</sup> بولتن سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران، بهمن ۱۳۴۵، چاپ مجدد در مسعود کوهستانی‌نژاد، اسناد و گزارش‌های گروه‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مطبوعاتی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳، ۲۹۲.

<sup>۲۸</sup> محمدی، سیمای اقتداگرایی، ۸۴-۸۳.

<sup>۲۹</sup> همان، ۱۰۸-۱۰۷.

<sup>۳۰</sup> معاون "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، کریم ارغنده پور، روزنامه نگار، شماره ۳۲، مرداد ۱۳۸۱، ۴.

گزینشی پخش نکنند».<sup>۳۱</sup>

حضور زن بر صحنه تلویزیون موضوع اعتراض‌های دیگری بود. در دوم اردیبهشت ۱۳۸۳، هنگامی که هنوز آقای لاریجانی ریاست "صدا و سیما" را بر عهده داشت، ۳۰۰ فعال حقوق زن برای ابراز «اعتراض شدید نسبت به عملکرد زن ستیزانه صدا و سیما» در "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران" گرد آمدند و خواسته‌های خود را چنین اعلام کردند:

۱. متوقف کردن پخش برنامه‌ها و سریال‌هایی که با محتوای زن ستیزانه تهیه می‌شود، و انعکاس تصویر واقعی از فعالیت‌های زنان از قشرهای گوناگون و در حوزه‌های مختلف (از طریق در اختیار قرار دادن تریبون‌هایی به گروه‌های مستقل زنان) و نیز انعکاس فعالیت‌های زنان جهان که برای حقوق انسانی خود تلاش می‌کنند.  
۲. تصویب قانونی در مورد صدا و سیما که در آن مجازات‌هایی برای تخلفات این سازمان پیش بینی شده و امکان نظارت قضائی و به‌ویژه نظارت مردمی از طریق تشکیل گروهی از نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی زنان و دیگر تشکل‌های مدنی قید شده باشد.

۳. واگذاری امتیاز شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و نیز امکان آزادانه پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی از سوی سازمان‌های غیر دولتی زنان و دیگر نهادهای مدنی.<sup>۳۲</sup>

مدتی بعد، "خبرگزاری زنان ایران"، که توسط گروهی از زنان عضو شوراهای اسلامی شهر تاسیس شده بود، در گزارشی گفت تلویزیون با ارائه تصویری ناکارآمد، پرتنش و ناپایدار از ازدواج سنتی و تشویق ازدواج موقت «یکی از مروجان فرهنگ چند همسری» شده است.<sup>۳۳</sup> خانم عشرت شایق، از نمایندگان محافظه‌کار مجلس هفتم، «تیم خبری صدا و سیما» را متهم کرد که «تفکر مردسالارانه دارند و به همین دلیل از ابتدای مجلس تاکنون تنها چند دقیقه خبر و گزارش درباره نمایندگان زن پخش کرده‌اند.» خانم شایق گفت «مسأله به قدری حاد شده که هم اکنون چند روزی است که به دستور اصلی کمیسیون اصل نود مجلس [که به کار نهادهای دولتی رسیدگی می‌کند] تبدیل شده است».<sup>۳۴</sup>

پس از پایان ریاست آقای لاریجانی، کارنامه او از درون "صدا و سیما" و در محافل روحانی نیز به انتقاد گرفته شد. در مهرماه ۱۳۸۳، یکی از برنامه‌سازان تلویزیون در حمله‌ای تلویحی به مدیریت آقای لاریجانی از آقای ضرغامی خواست با «فربهی و عدم وجود برنامه و فکر» در سازمانی که «یک پنجم کارکنان» آن برای کار «مرتب و منظم» کفایت می‌کرد برخورد کند.<sup>۳۵</sup> در آبان ماه، گروهی از مسئولان مذهبی و ائمه جمعه در دیداری با آقای

<sup>۳۱</sup> روزنامه نگار، شماره ۴۴، شهریور ۱۳۸۳، ۸.

<sup>۳۲</sup> روزنامه نگار، شماره ۴۲، اردیبهشت ۱۳۸۲، ۵. این گروه‌ها در اعتراض شرکت داشتند: انجمن روزنامه‌نگاران جوان، انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران، انجمن زنان نواندیش ایران، انجمن مستقل زنان، انجمن هستا اندیش، تورنمای بدجنس، ماهنامه زنان، تورنمای زنان امروز ایران، تورنمای زنان ایران، ماهنامه فرزانه، مرکز کارروزی سازمان‌های غیردولتی، کانون نواندیشان جوان جامعه مدنی، کانون زنان زمان، کانون فرهنگی زنان، و موسسه آموزشی و پژوهشی رشدیه.

<sup>۳۳</sup> "تلویزیون یکی از مروجان فرهنگ چند همسری است"، "خبرگزاری زنان ایران"، ۲۶ دی ۱۳۸۳، <http://www.iwna.ir/shownews.aspx?newsid=372> (دسترسی ۱۲ مرداد ۱۳۸۷).

<sup>۳۴</sup> عشرت شایق، شرق، ۱۶ اسفند ۱۳۸۳، ۲.

ضرغامی از «پوچی محتوائی» برخی برنامه‌های تلویزیون، نمایش «دزدی و سرقت و جنایت در خیلی از فیلم‌ها»، و بی‌احترامی کودکان نسبت به پدر و مادر و بزرگسالان در برخی از سریال‌ها شکایت کردند. این معترضان از تلویزیون می‌خواستند «فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌های پربیننده» را در وقت نماز پخش نکنند، زیرا «جهت‌گیری تبلیغات مساجد و صدا و سیما باید هماهنگی داشته باشد». به عقیده معترضان، رسانه‌ای که توانسته بود «ورزش، فرهنگ راهنمایی و رانندگی، و حتی قرآن را احیا کند، این کار را باید برای مساجد هم»، مثلاً با «مصاحبه و ساخت برنامه برای مساجد» انجام می‌داد. روحانیان مجالسی را که «به‌ویژه در ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود برای تلویزیون بسیار مناسب» توصیف کردند. یکی از حاضران رادیو-تلویزیون را «حنجره ملی» خواند که می‌تواند «شبهه تعارض میان شریعت و نیازهای نسل جوان» را برطرف کند. دیگری خواستار «طراحی دیپارتمان مسجد در صدا و سیما» شد و پیشنهاد کرد که «روسای سه قوه، وزرا، شخصیت‌ها، نمایندگان مجلس» و «خود آقای ضرغامی» به مساجد بروند و «از نزدیک با مردم ارتباط برقرار کنند». آقای ضرغامی قول داد «در حد توان به این خواسته‌ها جامه عمل بپوشاند» و پس از گردهمایی «در یکی از مساجد تهران» حاضر شد.<sup>۳۶</sup>

در همین گردهمایی، حجت الاسلام مرتضی ادیب یزدی، «امام جماعت مسجد بلال صدا و سیما»، گفت «کتاب‌هایی که پس از انقلاب اسلامی علیه شیعه چاپ شده ۲/۵ برابر کل کتابهای ضد شیعی در طول تاریخ ۱,۴۰۰ ساله است»؛ «چیزی حدود ۷,۰۰۰ شبهه علیه شیعه عنوان شده»؛ و اگرچه «رادیو معارف به خواسته‌های مومنین پاسخ می‌دهد، ولی شبکه‌های تصویری که به مراتب تاثیرگذارتر از شبکه‌های رادیویی هستند، اقدامی نکرده‌اند». حجت الاسلام ادیب یزدی همچنین گفت «الان صدا و سیما با بودجه دولت اسلامی و با تایید امام زمان کار می‌کند، ولی اقدام ویژه‌ای در خصوص رفع شبهات انجام نداده است. چون صدا و سیما در دل مردم جا دارد، می‌شود انقلابی دیگر در مساجد داشته باشیم و همچنان مساجد پایگاه خودشان را حفظ کنند».<sup>۳۷</sup>

چند هفته بعد، آیات‌الله عبداللّه جوادی آملی، جعفر سبحانی، و ناصر مکارم شیرازی در دیدار با گروهی از کارکنان تلویزیون که مشغول تهیه فیلمی درباره زندگی حضرت یوسف بودند، پرداختن به چنین داستانی را به «راه رفتن درگردنه‌های لغزنده» یا «بر لبه تیغ» تشبیه کردند، زیرا «یک سوی داستان اخلاق، و سوی دیگر آن ضد اخلاق است». آیت‌الله جوادی آملی وجود دو گونه عشق در داستان یوسف را به فیلم‌سازان یادآوری کرد، یکسو «عشق پاک» افرادی همچون پدر یوسف، واز سوی دیگر «زلیخا نیز به او دل بسته که این یک عشق ناپاک است. هردوی آن‌ها به یوسف علاقه دارند، اما علاقه یکی عشق و علاقه دیگری شهوت است. به همین دلیل این اثر باید طوری ساخته شود که علاقمندان یوسف او را مانند گل محمدی و یاس ببینند و زیبایی این عشق را با جان و دل درک کنند».<sup>۳۸</sup>

<sup>۳۵</sup> محمد نوری زاد، «ضرغامی و تنها راه پیش رو؛ مدیران نالایق باید بروند»، شریف نیوز، ۸ مهر ۱۳۸۳، <http://sharifnews.com/?544>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).

<sup>۳۶</sup> «رسانه و مسجد با هم فرهنگ اسلامی را تبیین می‌کنند»، جام جم، ۲۳ آبان ۱۳۸۳، ۶.

<sup>۳۷</sup> همان.

<sup>۳۸</sup> جام جم، ۵ دی ۱۳۸۳، ۳. شرکت کنندگان در دیدار عبارت بودند از: کارگردان رشته برنامه، فرج‌الله سلحشور؛ مشاور رئیس «صدا و سیما»، جمال شورجه؛ مدیر برنامه‌ریزی، حسن نجاریان؛ قائم مقام مدیر تولید، مهدی کیهانی؛ و سید حسین جعفری، هنرپیشه‌ای که نقش یوسف جوان را بر عهده داشت.

## رهبر و رسالت "صدا و سیما"

در آذر ۱۳۸۳، آقای ضرغامی و مدیران و جمعی از کارکنان "صدا و سیما" با آیت‌الله خامنه‌ای دیدار کردند. آیت‌الله خامنه‌ای گفت «طبقه زرسالاران اقتدار طلب به‌عنوان یک طبقه اجتماعی جهانی در حال اشغال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خاورمیانه و منطقه اسلامی است و جمهوری اسلامی ایران، بعنوان تنها گروه مقاومت به پایداری در برابر این هجوم اشغالگرانه پرداخته است». آیت‌الله خامنه‌ای «جنگ واقعی جهان پیچیده امروز را جنگ رسانه‌ها» توصیف کرد؛ گفت «رسانه ملی»، یعنی رادیو-تلویزیون، در این «مقابله اساسی» نقش مهمی دارد؛ و ویژگی‌ها، اهداف، و وظایف آن سازمان را چنین برشمرد:

امین نظام بودن، مورد اعتماد مردم بودن، برخورداری از مزیت‌های رقابتی، توجه هم‌زمان به کمیت و کیفیت، آرایش رسانه‌ای کارآمد در سطوح محلی، ملی و منطقه‌ای، قدرت انعطاف و سرعت عمل برای انطباق با وضعیت‌های گوناگون و پیش‌بینی نشده؛ ارتقاء معرفت دینی روشن‌بینانه، ترویج رفتار دینی مخلصانه، ریشه‌دار کردن شناخت و باور مردم به ارزش‌ها و مبانی اصیل انقلاب و نظام؛ مصونیت بخشیدن به ذهن جامعه در برابر تهاجم مخرب رسانه‌های بیگانه؛ ایجاد و تعمیق باور عمومی به کارآمدی نظام؛ حفظ و تقویت همگرایی عمومی و همدلی و محبت و وحدت؛ آگاه‌سازی مردم درباره مقوله‌های حساس نظیر علم، امنیت، پرورش نخبگان، اقتدار ملی و کار و ابتکار؛ در نظر داشتن مسائلی نظیر انضباط اجتماعی، وجدان کاری، ادب اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، اعتماد به نفس، شجاعت فردی و ملی، زیبایی‌طلبی ظاهری و باطنی و حق‌طلبی و پرهیز از مصرف زدگی در همه برنامه‌ها؛ ارتقای معرفت و ایمان مردم؛ پرهیز از قشری‌گری و برخوردهای صرفاً احساسی در برنامه‌های مذهبی؛ تقویت مدیریت اجرایی کشور با بیان هنرمندانه ابعاد مختلف توفیقات گسترده دولت، و بیان ضعفها، کمبودها و دردهای مردم با هدف پیدا کردن راه حل؛ کمک به نهضت تولید علم و فکر و نظریه؛ توجه به اینکه شادی، نشاط و لبخند از ضروریات جامعه‌اند و تأمین نیاز مردم به سرگرمی و تفریح، با برنامه‌ها و طنزهای جالب و فاخر اما بدون لودگی و ابتذال؛ زنده نگه داشتن دغدغه عدالت، تقویت نهضت بیداری در جهان اسلام؛ و زمینه‌سازی برای مشارکت عمومی در مسائل مختلف.<sup>۳۹</sup>

رئیس "صدا و سیما"، آقای ضرغامی، گفت «در دوره جدید، توسعه کیفی مهمترین هدف صدا و سیما» بوده و «با استفاده از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران، استراتژی توسعه کیفی برای ۵ سال آینده تدوین شده است». آقای ضرغامی از «اقدامات انجام گرفته در حوزه خبررسانی به‌ویژه تلاش برای تغییر ادبیات خبر و روانی اطلاع‌رسانی» سخن گفت و افزود «صدا و سیما از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی و اقدامات اولیه خود را برای زمینه‌سازی حضور حداکثری مردم در انتخابات ریاست جمهوری و ایجاد فضای سالم آغاز کرده است.» آقای ضرغامی از «مشکلات مالی و اعتباری صدا و سیما برای رسیدن به حداقل‌های استانداردهای جهانی در زمینه مسائل فنی و ضرورت

<sup>۳۹</sup> دیدار رئیس، معاونان، مدیران و جمعی از دست‌اندرکاران سازمان صدا و سیما با رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۱ آذر ۱۳۸۳، "دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای"، <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1218> (دسترسی ۱۳ مرداد ۱۳۸۷).



افزایش بودجه سازمان» نیز سخن گفت و افزود «به‌رغم این مسائل و کاهش اعتبارات اختصاص یافته، کارکنان صدا و سیما تلاش جهادی را برای برطرف کردن مشکلات آغاز کرده‌اند.»<sup>۴۰</sup> چند ماه بعد، "صدا و سیما" شکایت از «پاسخگو نبودن اعتبارات برای تأمین برنامه‌ها» را تکرار کرد،<sup>۴۱</sup> اما "اتاق بازرگانی تهران" هزینه تبلیغ در تلویزیون ایران، را بالاتر از هر کشور دیگری در منطقه توصیف کرد و این گرانی را یکی از دلایل «افت صادرات» کشور دانست.<sup>۴۲</sup>

یکی از معاونان آقای ضرغامی وعده «فضای سالم انتخاباتی» را با اعلام «سیاست‌های اصلی چون حفظ بی‌طرفی در انتخابات، تقویت اعتماد و اعتبار رسانه‌ها، و برگزاری پرشور انتخابات» تکرار کرد.<sup>۴۳</sup> برخی از دعوت «زود هنگام» سازمان برای حضور نامزدهای احتمالی برای پخش دیدگاه‌هایشان،<sup>۴۴</sup> و گزارش «تحریف شده» سفر نامزد اصلاح‌طلبان برای ریاست جمهوری، دکتر مصطفی معین، به سیستان و بلوچستان انتقاد کردند.<sup>۴۵</sup> اما روزنامه اقبال، سخنگوی آقای معین، پخش یک میزگرد تلویزیونی زنده را که در آن نماینده آقای معین از «لزوم بی‌طرفی صدا و سیما در انتخابات، آزادی زندانیان سیاسی، و ضرورت برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه برای اعتلای نظام» سخن گفته بود ستود و چنین برنامه‌هایی را «به نفع کشور، نظام، مردم، و حتی مسئولان» "صدا و سیما" توصیف کرد.<sup>۴۶</sup>

ممکن است آقای ضرغامی "صدا و سیما" را در «تأمین لبخند» موفق تلقی کرده باشد، زیرا اندکی پس از دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای یک برنامه صبح جمعه رادیو به نام "جمعه ایرانی" را «از نظر متن و اجرا در قله کارهای طنز رادیویی» توصیف کرد و افزود که «طبق احادیث و روایات شادکردن دل مومن عبادت» است.<sup>۴۷</sup> اما موج فزاینده‌ی انتقاد، برنامه‌های سرگرم‌کننده سازمان را هم در برگرفت. مقاله‌ای در روزنامه اصلاح طلب شرق گفت در کانال ۳، پرتماشاگرترین کانال تلویزیون، به سختی می‌شد به جز فوتبال برنامه جالبی پیدا کرد.<sup>۴۸</sup> نویسندگان دیگری در شرق از گزارشگران فوتبال همین کانال انتقاد کرد که نام‌های خارجی را غلط تلفظ می‌کنند؛ به جای "خلیج فارس"، "خلیج" می‌گویند؛ و عبارت‌ها و جمله‌هایی مخالف دستور زبان فارسی کار

<sup>۴۰</sup> همان.

<sup>۴۱</sup> رضا پورحسین، مدیر شبکه ۲ سیما، جام‌جم، ۳۰ فروردین ۱۳۸۴، ۳.

<sup>۴۲</sup> محمدرضا بهزادیان، رئیس اتاق بازرگانی تهران، اقبال، ۳۰ فروردین ۱۳۸۴، ۹.

<sup>۴۳</sup> معاون امور سیاسی "صدا و سیما"، ایرج سبقتی، جام‌جم، ۲۲ دی ۱۳۸۳، ۳.

<sup>۴۴</sup> شرق، ۱۵ فروردین ۱۳۸۴، ۲.

<sup>۴۵</sup> اقبال، ۲۷ فروردین ۱۳۸۴، ۳. دفتر دکتر معین گفت "بخش خبری ۲۰/۳۰" تلویزیون به جای گزارش «استقبال گرم و کم نظیر دانشجویان، اساتید، طلاب و عموم مردم شریف زاهدان و زابل»، تنها «اعتراض یک دانشجوی به وضعیت غذای دانشگاه» را پخش کرده بود.

<sup>۴۶</sup> کریم ارغنده پور، "یک میزگرد واقعی"، اقبال، ۳ اردیبهشت ۱۳۸۴، ۱. روزنامه اقبال کم‌تر از دو ماه بعد توقیف شد. "دادسرای کارکنان دولت و رسانه‌ها"، در حکمی به تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۸۴، علت توقیف را، «مطابق ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی»، چنین اعلام کرد: «چاپ و انتشار مطالب کذب و عاری از حقیقت و پخش شایعات به‌منظور تشویش اذهان عمومی و بحران آفرینی و تحریک به اقدامات غیر متعارف در جهت اختلال در نظم و آسایش عمومی نظر به اینکه اقدامات خلاف قانون این روزنامه به صورت مستمر تکرار و مدیر مسئول آن بدون توجه به موازین قانونی و رسالت مطبوعات اقدام به چاپ و انتشار مطالب می‌نماید.»

<sup>۴۷</sup> جام‌جم، ۲۰ دی ۱۳۸۳، ۳.

<sup>۴۸</sup> علیرضا نعمت پور، "حالا توپ در زمین کیست؟"، شرق، ۲ دی ۱۳۸۳، ۱۵.

می‌برند.<sup>۴۹</sup> مقاله‌ای در روزنامه ایرار سریال‌های مخصوص ماه رمضان را « نه چندان موفق در جلب مخاطب» خواند و گفت صحنه‌هایی مانند افطار تنها برای اضافه کردن رنگ مذهبی در این برنامه‌ها جا داده شده‌اند.<sup>۵۰</sup> نویسنده‌ای در جام جم، روزنامه خود صدا و سیما، برنامه‌ای به نام "میعاد شبانه" را، که پس از نیمه شب از "شبکه ملی" پخش می‌شد، چنین ارزیابی کرد:

"میعاد شبانه" از طرفی شبیه است به ده‌ها برنامه دیگر سیما: یکی دو مجری و میهمان بی‌حال، حرف‌های مثلاً با نمک (راستی چه کسی اولین بار به ذهنش رسید شوخی‌های محفلی و پشت صحنه مجری و میهمان، جلوی دوربین و برای بینندگان یک کشور هم چیز دندان‌گیری می‌شود؟)، یکی دو خواننده بی‌نام و نشان (نامشان را اولین بار و آخرین بار از این جور برنامه‌ها می‌شنویم) و شاید یک مسابقه تلفنی (که همیشه نقش مدرک زنده بودن برنامه را بازی می‌کند). "میعاد شبانه" در عین حال که تاروپودش از کلیشه ساخته شده، به شدت یادآور برخی برنامه‌سازان دهه ۶۰ است. مخاطبان آن قطعاً کودک نیستند، اما کودک فرض شده‌اند. مثلاً آن بازیگری که کسوت "دکتر خرناس" (از تپ‌های مشهور رادیویی و بعدها تلویزیونی داریوش کاردان) را جعل کرده است، با ریش و موی مصنوعی و عصا و شاپو، بی‌آنکه بهره‌ای از طنزهای کاردان برده باشد، تنها این تصور را تقویت می‌کند که سازندگان برنامه مخاطبانشان را زیادی دست‌کم گرفته‌اند. او با آن پز و قیافه و ادا، امروز حتی در برنامه‌های کودک هم جایی ندارد. سلیقه کودکان با پشت سر گذاشتن "کلاه قرمزی" و "زی زی گولو" و "چرا" کمی فرهیخته‌تر شده است.

شاید ایراد از "میعاد شبانه" نباشد. اشکال کار زمان ساخت آن است که ۱۵-۱۰ سالی با تاخیر ساخته شده است. شاید با تجربیات بدوی زیبا شناختی یک بیننده دهه شصتی، در آن دوران می‌توانست برنامه موفق‌تری باشد. در آن روزگار که همه به کمبود امکانات خود داشتند، شاید دیدن یک موجود انسانی (گیریم هرچقدر بی‌هنر یا بی‌مزه) روی صفحه تلویزیون به جای برفک یا "کالربار" [خطوط رنگی آزمایش تصویر تلویزیون] می‌توانست جالب، حتی خیال‌انگیز، باشد. سازندگان برنامه بعید است امروز به چنین موفقیتی برسند. دیگر اینقدر موجود انسانی بر صفحه تلویزیون دیده‌ایم که شاید اگر نیمه شب "شبکه یک" هم برفک پخش کند، دست‌کم با خیال راحت به کار و زندگی مان برسیم.<sup>۵۱</sup>

سیاست تولید موسیقی "صدا و سیما" در دوره آقای لاریجانی نیز به‌طور غیر مستقیم مورد انتقاد قرار گرفت زیرا اعلام شد که "اداره کل تولید موسیقی صدا و سیما" به تشکیل گروه‌های سه نفره متشکل از شاعر، آهنگساز، و خواننده کمک خواهد کرد. پیش از آن، نخست شعر باید از تأیید "شورای شعر" می‌گذشت؛ سپس "شورا" شعرا را برای ساختن آهنگ در اختیار آهنگساز می‌گذاشت؛ و پس از آن خواننده‌ای ترانه را ضبط می‌کرد. گاه ممکن بود

<sup>۴۹</sup> علی میرزائی، "گاف‌های مشدد"، شرق، ۱۶ آبان ۱۳۸۳، ۲۴. یکی از جالب‌ترین تلفظ‌های نادرستی که در این مقاله از آن یاد شده "آرسان" و آنزه"، به جای "آرسن و نگر"، نام مربی فرانسوی تیم انگلیسی آرسنال بود، قاعدتاً بر پایه این تصور گوینده تلویزیون که تلفظ اولی فرانسوی است، اما دومی انگلیسی.

<sup>۵۰</sup> پیوند مرزوقی، "سریال‌هایی نه چندان موفق در جذب مخاطب"، ایرار، ۲۰ آبان ۱۳۸۳، ۵، و تورنمای بازتاب، ۶ اسفند ۱۳۸۳، <http://www.baztab.com/news/21943.php>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).  
<sup>۵۱</sup> سروش روحبخش، "درباره "میعاد شبانه": برفک بین و خوش باش!"، جام جم، ۳۰ آذر ۱۳۸۳.

در جریان ساخته شدن یک آهنگ، این سه نفر هرگز یکدیگر را ملاقات نکنند «و هیچ نوع ارتباط حسی و عاطفی» میان آنان برقرار نشود. "مدیر کل تولید موسیقی صدا و سیما"، سید محمد میرزمانی، اعلام کرد «تمهیداتی» به کار خواهد رفت «که این عناصر از این پس در قالب تیم های سه نفره یا چهارنفره به خلق آثار بدیع و تازه تری پردازند و زمینه های آشنائی، رفاقت، همدلی، و نیز رقابت» آنان فراهم شود.<sup>۵۲</sup> اما بعید بود بینندگان تلویزیون از این «رفاقت و همدلی» با خبر شوند، زیرا رئیس "مرکز موسیقی صدا و سیما"، محمد حسین صوفی، اعلام کرد «در حال حاضر سیاست سازمان صدا و سیما بر این مبنا قرار دارد که فقط چهره و صدای خوانندگان از تلویزیون پخش شود و نمایش آلات موسیقی یا نوازندگان در حال نواختن ساز ممنوع است [...] اینکه این سیاست در آینده تغییر کند یا خیر هم به برنامه ریزی مدیران ارشد سازمان مربوط می شود».<sup>۵۳</sup>

بعضی از همکاران آقای ضرغامی در مورد کارآئی سازمان، با «مدیران چند پیشه»، و جدیت آن در اجرای رهنمودهای آیت الله خامنه ای تردید داشتند. چند هفته پس از دیدار مسئولان رادیو-تلویزیون با آیت الله خامنه ای، جمال شورجه، از فیلم سازان ارشد تلویزیون و مشاور آقای ضرغامی، در جام جم، روزنامه متعلق به "صدا و سیما"، نوشت:

از دیگر مسائل و توصیه هایی که رهبر معظم انقلاب روی آن حساسیت نشان دادند چند شغله بودن مدیران بود که بدون تردید از دلائل ناکارائی در گرداندن هر حرفه و صنف است. ظریفی می گفت این مدیران با فوق دیپلم یا حداکثر لیسانس وارد صدا و سیما شدند و در دوران مدیریت خود دکتری گرفتند؛ استاد دانشگاه شدند؛ خانه دار شدند، یا خریدند، یا ساختند. بچه ها رازن دادند و به خانه شوهر فرستادند و ... پس کی مدیریت کردند؟ [...] فکر می کنم باید در صدا و سیما ستادی تشکیل شود تا این فرمایشات را اجرائی کرده و آن ها را به شاخه های مختلف زیر مجموعه صدا و سیما ابلاغ کنند تا حول این محورها برنامه های کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت خود را سامان دهند. اما این اولین باری نبود که حضرتشان از این بیانات می فرمودند. من خودم بارها و بارها این گونه مطالب را از ایشان در خصوص مسائل مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، و حتی نظامی با مسئولان طراز اول و مدیران مختلف شنیده ام. اما کو گوش شنوا؟<sup>۵۴</sup>

چنانکه پیش از این گفته شد، چند سال پیش، خود آیت الله خامنه ای گفته بود که «به صدا و سیما هفته ای یک بار یا کم تر اعتراض» می کند و «پیغام تند» می دهد،<sup>۵۵</sup> وضعیتی که بروز آن در صورت تسلط کامل او بر "صدا و سیما" بعید می نمود. در زمان تصدی آقای ضرغامی، "صدا و سیما" در موقعیتی بیش از پیش مستقل به نظر می رسید. چهار عضو "شورای نظارت بر صدا و سیما" را محافظه کاران تشکیل می دادند که بر قوه قضائیه مسلط بودند و در انتخابات

<sup>۵۲</sup> اطلاعات، ۱۲ آذر ۱۳۸۳، ۳.

<sup>۵۳</sup> رسالت، ۱۰ دی ۱۳۸۳، ۲۰.

<sup>۵۴</sup> جام جم، ۱۰ دی ۱۳۸۳، ۳.

<sup>۵۵</sup> سخنرانی آیت الله خامنه ای خطاب به اعضا "شورای عالی انقلاب فرهنگی"، ۲۴ آذر ۱۳۷۸، به نقل از رسائی، پایان داستان غم انگیز: نگاهی به زمینه های صدور حکم حکومتی مقام معظم رهبری در باره قانون مطبوعات، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۰، جلد ۱، ۲۰۴.

مجلس هفتم نیز برنده شده بودند و گفته می‌شد معتقدند «تمامی مسائل و امور این سازمان در سیطره رئیس آن است.»<sup>۵۶</sup> نماینده دولت آقای خاتمی در «شورای نظارت بر صدا و سیما»، حجت الاسلام محمد شریعتی دهقان، که در اقلیت قرار گرفته بود، شکایت می‌کرد که «این سازمان همکاری لازم جهت ارائه اطلاعات و همچنین هماهنگی در بخش توسعه تشکیلاتی با شورای نظارت بر آن را نقض کرده است»؛ جلسات شورا با رئیس سازمان «همچنان به تعارضات می‌گذرد»؛ و «رئیس سازمان صدا و سیما برای تشکیل شورای راهبردی شبکه صدا و سیما هیچ اطلاعی به شورای نظارت نداده» است. نماینده دولت آقای خاتمی در شورا همچنین گفت از «اخبار ۲۰/۳۰» تلویزیون و پخش «اعترافات و بلاگ نویسان» (که در فصل بعد از آن سخن گفته خواهد شد) به شورا شکایت شده و «در این شکایات از عدم رعایت اصول خبر و تبعیض در نحوه برخورد با نیروهای درون حاکمیت به شدت انتقاد شده است.»<sup>۵۷</sup> کانون وکلای دادگستری به نوبه خود از یک برنامه تلویزیونی شکایت داشت که وکلای دادگستری، یکی از «اقتدار فرهیخته جامعه» را که تعدادشان به حدود ۱۳,۰۰۰ نفر می‌رسید، به شکل نامطلوبی نمایش داده بود.<sup>۵۸</sup>

آقای لاریجانی پس از ترک «صدا و سیما»، در حالی که برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ آماده می‌شد، در مصاحبه با مطبوعات از همه برنامه‌های بحث انگیز تلویزیون دفاع کرد، مگر از حمله برنامه «هویت» به استاد فقید تاریخ ادبیات ایران، دکتر عبدالحسین زرینکوب، که بعداً در برنامه‌های دیگر تلویزیون از او ستایش شده بود. در این مصاحبه‌ها، آقای لاریجانی حمله به دکتر زرینکوب را، با به کار بردن دو کلمه انگلیسی، «فرندلی فایر» (friendly fire)، یا «آتش خودی»، توصیف کرد؛<sup>۵۹</sup> اتهام سوءتدبیر مالی در رادیو-تلویزیون را که در گزارشی در مجلس ششم مطرح شده بود بار دیگر رد کرد؛<sup>۶۰</sup> رادیو-تلویزیون را از «پاک‌ترین دستگاه» خواند و گفت در دادگاه روشن خواهد شد «چه کسانی خادم» بودند؛<sup>۶۱</sup> از منتقدان خواست «ضعف ساختاری» فیلم‌های ایرانی را که «مردم و خانواده‌ها را از سینما پس زد» مربوط به «صدا و سیما» ندانند؛ و در پاسخ کسانی که مدیریت او بر صدا و سیما را «سلطنت» خوانده بودند گفت «من چیزی نمی‌دانم. من فقط می‌دانم که رهبر معظم انقلاب برای دو دوره پنج ساله بنده را به ریاست سازمان صدا و سیما منصوب کرد.»<sup>۶۲</sup> در جریان مبارزات انتخاباتی، و در حرکتی یادآور گزارش‌های «کنفرانس برلین»، مخالفان آقای لاریجانی مجموعه‌ای از «برخی صحنه‌های مونتاژ شده مستهجن و خلاف عفت عمومی در میان برنامه‌های تلویزیونی» دوران مدیریت او را بر روی لوح فشرده به مراجع دینی فرستادند تا از احتمال پیروزی او بکاهند.<sup>۶۳</sup>

<sup>۵۶</sup> شرق، ۲۱ مهر ۱۳۸۳.

<sup>۵۷</sup> ایران، ۲۶ آذر ۱۳۸۳، ۲.

<sup>۵۸</sup> رئیس کانون وکلای دادگستری، محمد جندقی کرمانی، شرق، ۵ اسفند ۱۳۸۳، ۲۷.

<sup>۵۹</sup> «پاسخ به هویت، کنفرانس برلین، چراغ»، مصاحبه علی لاریجانی با روزنامه شرق.

<sup>۶۰</sup> تورنمای ایران امروز، <http://www.iran-emrouz.de/khabar/khabar820219.html>

(دسترسی ۲۱ مرداد ۱۳۸۵).

<sup>۶۱</sup> کیهان، ۱۵ دی ۱۳۸۳، ۲. همچنین تورنمای ایران امروز <http://www.iran-emrouz.de/khabar/tahghigh820218.html>

(دسترسی ۲۱ مرداد ۱۳۸۵). <http://www.iran-emrouz.de/khabar/tahghigh820218.html>

<sup>۶۲</sup> اقبال، ۳۰ فروردین ۱۳۸۴، ۱۲.

<sup>۶۳</sup> شرق، ۱۳ اسفند ۱۳۸۳، ۶.

## «تبعیض قومی و فرهنگی»

زبان فارسی نو، یا فارسی دری، پس از ورود اسلام به ایران شکل گرفت و از آن زمان تاکنون زبان رسمی و ادبی ایران بوده،<sup>۶۴</sup> اگر چه افراد و خاندان‌هایی از گروه‌های قومی گوناگون بر کشور حکومت کرده‌اند. با توجه به این پیشینه، موقعیت برتر زبان فارسی در رسانه‌های ایران قابل درک است.<sup>۶۵</sup> اما از "صدا و سیما" انتقاد می‌شد که تنوع فرهنگ‌ها و زبان‌های ایران را که در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده به خوبی منعکس نمی‌کند. بنا بر اصل پانزدهم قانون اساسی، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون فارسی رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»<sup>۶۶</sup> در سال ۱۳۸۲، دکتر مهدی محسنیان راد، استاد برجسته ارتباطات در ایران، در مقاله‌ای در فصلنامه رسانه‌ارقام بسیار محتاطانه‌ای درباره ترکیب جمعیت ایران ذکر کرد (جدول ۱-۹) که نشان می‌داد فارسی زبانان اندکی بیش از ۵۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، اما بیش از ۹۰ درصد اوقات پخش رادیو-تلویزیون را در اختیار دارند. آذری‌ها که در حدود ۲۲/۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند ۴/۴۵ درصد وقت را در اختیار داشتند؛ سهم مردم کرد، با ۷/۵ درصد جمعیت، ۱۷/۹ درصد وقت بود؛ و به مردم عرب ایران، با ۳/۵ درصد جمعیت، ۰/۴۵ درصد وقت داده شده بود. ۱۴ درصد باقیمانده جمعیت از ۰/۷۷ وقت رادیو-تلویزیون استفاده می‌کردند. در تلویزیون، که از رادیو بسیار پر قدرت‌تر است، سهم فارسی زبانان ۵ درصد بیشتر از سهم آنان از رادیو بود و اقلیت‌ها سهمی بسیار کم‌تر از فارسی زبانان داشتند.

در مقاله دکتر محسنیان راد اظهار نگرانی شده بود که "صدا و سیما" با تکیه بیش از حد بر زبان فارسی، گویندگان زبان‌های دیگر را به حاشیه می‌راند و به موقعیت زبان فارسی در میان آنان صدمه می‌زند. دکتر محسنیان راد به نقل از یک گزارش اشاره کرد که استان آذربایجان شرقی، پرجمعیت‌ترین منطقه آذری کشور، در سال ۱۳۵۵ در میزان سواد فارسی در کشور مقام سوم را داشت، اما در سال ۱۳۷۰ به رتبه بیست و سوم تنزل کرده بود. نگرانی دیگر این بود که "صدا و سیما" نسبت به اعتقادات دینی مسلمانان سنی مذهب کشور حساسیت کافی نشان نمی‌دهد. دکتر محسنیان راد یادآوری کرد که علیرغم تنوع قومی ایران، اسلام شیعه و زبان فارسی در مقام عوامل وحدت ملی و همبستگی ملی به رسمیت شناخته شده‌اند. وی افزود اگرچه نظریه قدیمی که دین و زبان را عامل وحدت ملی می‌شناسد به‌طور جدی مورد چالش قرار نگرفته، تحولات جهانی، «به‌ویژه در دو دهه آینده»، چنین چالشی را «قطعاً» به وجود خواهند آورد.<sup>۶۷</sup> اما در اواخر سال ۱۳۸۳، کم‌تر از دو سال پس از انتشار مقاله، تنوع قومی به عنصر

<sup>۶۴</sup> "فارسی دری"، تورنمای لغت نامه دهخدا،

<http://www.loghatnaameh.com/dekhodaworddetail-638f524db7c54741b008eefe6a8c77a3-fa.html> (دسترسی ۵ دی ۱۳۸۷).

<sup>۶۵</sup> یادآوری دکتر احمد اشرف، مدیر هیأت تحریریه دانشنامه ایرانیکا و پژوهشگر دانشگاه کلمبیای نیویورک، در تماس با نویسنده، ۳۰ آبان ۱۳۸۷.

<sup>۶۶</sup> لغت نامه دهخدا، "قانون اساسی"،

<http://www.loghatnaameh.com/dekhodaworddetail-d778360d314748279a02eb853b194faa-fa.html> (دسترسی ۱۳ آذر ۱۳۸۷).

<sup>۶۷</sup> دکتر مهدی محسنیان راد، "ضرورت توجه به مقوله ارتباط میان فرهنگی در جامعه ایران به منظور مواجهه صحیح با تحولات جامعه اطلاعاتی"،

رسانه، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۲، ۲۶-۱۹.

مهمی در مبارزات انتخاب رئیس‌جمهوری ایران تبدیل شد. در یک گردهمایی، اصلاح‌طلبان کرد خواست‌هایی از جمله حضور اهل سنت در «کابینه و بین سفرا و استانداران» را مطرح کردند.<sup>۶۸</sup> در گردهمایی دیگری، فعالان سیاسی عرب «ضمن اشاره به دست آوردهای جنبش اصلاح طلبی در هشت سال گذشته، اقدامات انجام گرفته در رابطه با قومیت‌ها را ناکافی» دانستند و «خواستار ظرفیت‌سازی هرچه بیشتر در میان اصلاح‌طلبان نسبت به حقوق قومی شدند.»<sup>۶۹</sup> اعضا "مجمع نمایندگان اهل سنت مجلس" نیز اعلام کردند در انتخابات از نامزدی حمایت خواهند کرد که «اعتقاد راسخ به رعایت حقوق آحاد ملت به‌طور عملی داشته باشد» و «حقوق تادیه نشده جامعه اهل سنت» را «در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان کشوری در نهایت شفافیت ادا کند.»<sup>۷۰</sup> در هفته‌های بعد، "سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان" به «روند احضار و توقیف روزنامه‌نگاران و مطبوعات کردستان» اعتراض کرد،<sup>۷۱</sup> و ناآرامی‌هایی در میان مردم عرب خوزستان به دستگیری گسترده «عوامل ناآرامی‌ها» و تعلیق فعالیت شبکه خبری الجزیره به علت «رعایت نکردن اخلاق حرفه‌ای» در گزارش حوادث منجر شد.<sup>۷۲</sup>

<sup>۶۸</sup> حسین رضوی، "نقش تعیین کننده اقلیت‌ها در انتخابات ۸۴"، شرق، ۱۲ بهمن ۱۳۸۳، ۶.

<sup>۶۹</sup> مهدی مکارمی، "ایران برای همه قومیت‌ها"، شرق، ۶ اسفند ۱۳۸۳، ۶.

<sup>۷۰</sup> شرق، ۱۷ اسفند ۱۳۸۳، ۷ و ۲۹ فروردین ۱۳۸۴، ۶.

<sup>۷۱</sup> اقبال، ۲۷ فروردین ۱۳۸۴، ۱۲، درباره احضار حسین احمدی نیاز، مدیر مسئول هفته نامه ناسو، و عبدالله سهرابی، مدیر مسئول هفته نامه روزبه لات، به دنبال توقیف آوای کردستان، پیام مردم، و ندای دانشجوی کردستان. شرق، ۲۹ فروردین ۱۳۸۴، ۶، درباره احضار مجدد محمد صدیق کبودوند، مدیر مسئول و سردبیر پیام کردستان.

<sup>۷۲</sup> اقبال، ۲۷ فروردین ۱۳۸۴، ۱۲؛ و روزنامه‌های ۳۰ فروردین ۱۳۸۴، از جمله شرق، ۱؛ اطلاعات، ۲؛ جام جم، ص ۳.